

تأثیر عاشورا و نهضت امام حسین(ع) بر فرهنگ سیاسی ایران معاصر

فرهنگ را می‌توان یکی از زیربنایی‌ترین مولفه‌های هر جامعه انسانی دانست که تأثیرات آن در ساختار و جهت‌دهی مسیر حرکت جوامع بسیار اساسی و حائز اهمیت می‌باشد. از طرفی فرهنگ، تجلیات مختلفی دارد که آن را از کلیت اولیه تبدیل به موضوعات محدودتر و تخصصی‌تری می‌نماید که از آنها به عنوان فرهنگ‌های مضاف یاد می‌شود همچون فرهنگ سیاسی، فرهنگ اجتماعی، فرهنگ اقتصادی، فرهنگ دینی، فرهنگ مدیریتی و ... که در میان همه اینها فرهنگ سیاسی جزء اصلی‌ترین مولفه‌های فرهنگی می‌باشد که مورد بحث و دقت نظر قرار می‌گیرد و علت آن نیز تأثیرات مستقیمی است که بر سرنوشت سیاسی و به تبع آن بر کلیه بخش‌های یک جامعه دارد.

در این میان تعاریف متعددی نیز از فرهنگ سیاسی صورت گرفته است که پیش از هر گونه بحث و بررسی‌ای لازم است تعریف مد نظر از این واژه ذکر و مورد تبیین قرار گیرد.

بر این اساس گفته می‌شود فرهنگ سیاسی به عنوان بخشی از فرهنگ اجتماعی، مجموعه‌ای از نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های یک ملت نسبت به نظام سیاسی، نخبگان سیاسی و قدرت سیاسی است که در تطوّر تاریخی و در ارتباط با رویدادهای مختلفی که در درون جامعه رخ می‌دهد، شکل می‌گیرد و نوع و میزان رابطه مردم با سیاست و قدرت را تعیین می‌نماید.[۱]

همانگونه که در تعریف ملاحظه می‌شود فرهنگ سیاسی، موضوعی است که در گذر زمان و در ارتباط با عناصر مختلف موجود در جامعه شکل می‌گیرد و به همین دلیل می‌توان با واکاوی هر فرهنگ سیاسی، عناصر مختلف تأثیر گذار بر آن را شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل قرار داد که یکی از مهمترین این عناصر در کشور ما عبارت است از فرهنگ دینی که با نمادها، مظاهر و شعائر خود بر فرهنگ سیاسی کشور ما تأثیرات عمیقی داشته است و در میان نمودهای فرهنگ دینی نیز باید از عاشورا و قیام امام حسین (ع) به

عنوان یکی از تاثیرگذارترین فرازهای تاریخ بر کلیت فرهنگ جامعه ایرانی و به ویژه فرهنگ سیاسی آن در طول تاریخ پس از پذیرش اسلام توسط ایرانیان و به ویژه در دوران معاصر یاد نمود .

این حادثه غمبار در فراز و فرودهای مختلف تاریخ ملت ایران به گونه های مختلف تاثیرات خود را بر جای گذاشته است و جلوه های مهمی از آن در رفتارشناسی ملت ایران نسبت به سیاست و قدرت همواره مشهود بوده است و با سرعت یافتن روند تغییرات و تحولات ، این تاثیرات نیز ظهور و بروز بیشتری داشته است و از آنجایی که دوران معاصر را می توان پر فراز و نشیب ترین دوران سیاسی و فرهنگی جامعه ایرانی دانست شایسته است تاثیر این عنصر فعال در عرصه فرهنگ ایرانیان را مورد بررسی قرار دهیم .

البته در این تحقیق قصد ما واکاوی تاثیر حادثه عاشورا بر کلیت فرهنگ ایران و ایرانیان نمی باشد . بلکه هدف بررسی این تاثیر در بخشی از فرهنگ جامعه ایرانی به نام فرهنگ سیاسی می باشد . چرا که حادثه عاشورا با توجه به ماهیت و روندی که داشته است این ظرفیت و پتانسیل را دارد که در فرهنگ سیاسی تاثیر گذار باشد.

از سویی دیگر بررسی روند تحولات سیاسی تاریخ معاصر ایران حاکی از این است که کشور ما تاریخ پر فراز و نشیبی را از سر گذرانده و یکی از مهمترین مقاطع تاریخی ملت ایران در حال طی شدن می باشد که در آن فرهنگ های مهاجم به صورت آشکار و پنهان در حال فعالیت و تاثیرگذاری بر فرهنگ ایرانیان و به ویژه فرهنگ سیاسی آنان بوده و هدف نهایی آنان نیز به زانو در آوردن فرهنگ ناب اسلامی ایرانیان و نابود کردن عناصر تاثیر گذار بر این فرهنگ و کارویژه های آن در بخش فرهنگ سیاسی می باشد . همچنین در این مقطع مهم و سرنوشت ساز از تاریخ کشورمان ، شاهد تحولاتی بوده ایم که نه تنها فصل جدیدی در تحولات تاریخی ملت ایران به شمار می آید بلکه پس لرزه های آن به گونه ای بوده است که بر تمام جهان تاثیرات خاص خود را بر جای گذاشته است .

در این میان یکی از عناصر تاثیر گذار بر روند این تحولات را باید تاثیرات حاصل از حادثه عاشورا و قیام امام حسین ع بر فرهنگ سیاسی ایرانیان دانست که در اینجا به برخی از این تاثیرات اشاره می کنیم :

۱ - نفي حاکمیت طاغوت :

یکی از مهمترین آموزه های دین مبین اسلام به تصریح قرآن کریم اجتناب از طاغوت می باشد که در فرهنگ شیعه یکی از بارزترین جلوه های آن اجتناب از حاکمیت طاغوت بر جامعه می باشد .

از طرفی دیگر نفي طاغوت یکی از مهمترین جلوه های قیام اباعبدالله الحسین ع می باشد و اساسا جرقه قیام ایشان نیز مساله اجتناب از بیعت با حاکم باطل و طاغوت زمان یعنی یزید بن معاویه بود که باعث شد تا امام حسین (ع) شبانه با خاندان خویش از مدینه خارج و به سمت مکه حرکت نمایند . آن حضرت پس از امتناع از بیعت با یزید در بیان علت امتناع خویش از بیعت با یزید اعلام فرمودند : «و علی الاسلام السلام اذ قد بليت الامة براع مثل یزید» [۲] یعنی وقتی والی مسلمانان کسی همچون یزید باشد باید فاتحه اسلام را خواند و آنگاه در ادامه اصل فلسفه عدم بیعت خویش را به نقل از پیامبر اسلام ص حرمت خلافت آل ابی سفیان عنوان کرده و فرمودند : «لقد سمعت جدی رسول الله ص» يقول: الخلافة محرمة علی آل ابی سفیان» یعنی به تحقیق از جدم پیامبر خدا ص شنیدم که خلافت بر آل ابوسفیان حرام است .

که در واقع علت حرمت خلافت آل ابوسفیان همان ماذون نبودن خلافت آنان از سوی خداوند متعال بود که آنان را مصداق طاغوتی نموده بود که حکومتشان ممنوع و اطاعت از آنان حرام بود .

این مساله از همان زمان به عنوان یکی از مشخصه های شیعیان در آمد و به عنوان یکی از وجوه مشخصه فرهنگ سیاسی شیعه در طول تاریخ مطرح شد و از آنجایی که تاریخ معاصر و به ویژه مقطع پس از حاکمیت صفویان ، متأثر از فرهنگ شیعه و آموزه های آن بوده است لذا موضوع اجتناب از طاغوت هم به

عنوان يکي از مشخصه هاي فرهنگ سياسي ايران معاصر در آمد به گونه اي که در طول تاريخ معاصر کشورمان ، مردم کشور ما به تبعیت از علما و مراجع خود هرگز هیچ کدام از حکومت هاي موجود را به عنوان حکومت حق به رسمیت نشناخته و همواره به آنان به چشم حکومت طاغوت مي نگریستند . به گونه اي که حتي علماي مشروطه خواهي همچون ميرزاي نائيني که از نظام سلطنتي مشروطه دفاع مي کردند در فصول اوليه کتاب خویش رسماً به لزوم کسب مشروعیت حکومت از جانب خدا و طاغوتي بودن ساير حکومت ها تصريح کرده [۳] و با حکومت سلطنت مشروطه از باب ضرورت و دفع افسد به فاسد کنار مي آمدند .

به هر حال اجتناب از طاغوت يکي از وجوه برجسته قیام امام حسين (ع) بود که تاثير خود را در فرهنگ سياسي شيعه بر جاي گذاشته و پتانسیل قوي اي از تقابل با حکومت هاي زمانه را در درونشان فراهم کرده بود و آنان را آماده ساخته بود تا با فراهم شدن کوچکترین زمینه اي براي اعلام براءت از طاغوت و طاغوتيان ، اين دیدگاه اعتقادي خود را به منصف ظهور برسانند و به همین دلیل در جریان انقلاب اسلامي مردم ايران نخستین هدفی که ملت به پا خاسته و رهبران مذهبي و سياسي آنان دنبال مي کردند ریشه کن ساختن حکومت طاغوت بود .

۲ - تهییج و برانگیختن مردم در راه مبارزه با طاغوت ها :

همانگونه که در بند اول گفته شد مهمترین درس قیام حسيني ، نفي طاغوت به معنای انکار قلبي آن بوده است . اما درس دومي که اين ماجرا مي آموزد اقدام عملي براي قیام بر عليه طاغوت مي باشد . حادثه عاشورا به دو گونه در برانگیختن مردم براي مبارزه با طاغوت ها موثر بوده است : نخست از جهت درسي که شيعيان از حرکت اعتراضی امام حسين (ع) در مقابل درخواست بيعت با يزيد فرا گرفتند . از اين جهت شيعيان از اقدام امام حسين (ع) در بيعت نکردن با يزيد درس نفي حاکمیت طاغوت را فراگرفتند که صرفاً بعد نفيي دارد و از خروج او بر عليه حکومت جائزانه يزيد ، درس قیام بر عليه طاغوت را . چه اينکه امام

حسین (ع) در باره قیام خود فرمود : «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحَرَامِ اللَّهِ نَاكِثًا عَهْدَهُ مُخَالَفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ فَلَمْ يَغْيِرْ عَلَيْهِ بِفَعْلٍ وَلَا قَوْلٍ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مَدْخَلُهُ» [۴] یعنی ای مردم همانا رسول خدا فرمود کسی که سلطان ستمکاری را ببیند که حرام خدا را حلال انگاشته و عهد خدا را شکسته ، مخالف سنت رسول خداست و نسبت به بندگان گناه و عداوت پیشه کرده است اما با این حال نسبت به او سکوت اختیار کرده و با سخن و عمل هیچ واکنشی نسبت به آن نشان نمی دهد بر خداوند است که او را هم‌رتبه آن سلطان جائر [در جهنم] قرار دهد .

و آنگاه که از مدینه خارج می شد ماهیت عمل خویش را نه انکار خالی نسبت به طاغوت بلکه قیام و خروج بر علیه سلطان ظالم و مفسد عنوان کرده و فرمودند : «إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشِرًّا وَلَا بَطِرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا؛ وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» [۵] یعنی من بی جهت و از سر ایجاد شرارت و یا با هدف ظلم و فساد خروج نکرده ام بلکه به خاطر طلب اصلاح در امت جدم پیامبر ص خروج نموده ام .

شیعیان نیز در طول تاریخ و به ویژه در دوران معاصر و علی الخصوص در جریان تحولات انقلاب اسلامی علاوه بر انکار قلبی نسبت به طاغوت که همواره در دل آنها و به عنوان بخشی از فرهنگ سیاسی آنها بود با حرام اعلام شدن تقیه از سوی امام خمینی ره ، از لاک انفعالی و سکوت خویش خارج شده و حرکت فعالانه بر علیه طاغوت را به عنوان بخشی از این فرهنگ سیاسی خویش پذیرفته و با رژیم شاه به عنوان مظهر یزید زمان به مبارزه برخاستند .

تاثیر دومی که قیام حسینی بر تهییج مردم در مبارزه با طاغوت داشت عبارت بود از کلیت حوادث مربوط به قیام امام حسین ع اعم از حوادث قبل از کربلا همچون داستان مسلم بن عقیل و یا حوادث کربلا و نیز حتی حوادث پس از کربلا همچون حماسه آفرینی های حضرت زینب (س) و امام سجاد (ع) در شام و کوفه ، که نقش مهمی در تحریک احساسات و عواطف مردم و سوق دادن آنها به سمت وظیفه ای که این قیام بر دوش

آنها گذاشته است دارد که عمده این تاثیرات از راه برگزاری مجالس حسینی و ذکر مصایب اهل بیت (ع) در این مجالس و برانگیختن شور و هیجان در درون آنان به منظور عمل به وظیفه دینی خود در قیام بر علیه ظلم و ستم و طاغوت زمانه ، بوده است .

۳ - لزوم تشکیل حکومت اسلامی به محض فراهم شدن شرایط :

همانگونه که گفته شد از نظر شیعه هر حکومتی که ماذون از سوی خداوند متعال نباشد مصداق حکومت طاغوت می باشد که باید از آن اجتناب نمود . از طرفی دیگر لزوم وجود حکومت ، یک اصل عقلی و نقلی می باشد . چنانکه امام علی ع در پاسخ به خوارج که از نظریه بی حکومتی [۶] حمایت می کردند فرمودند : لابد للناس من امیر برّ او فاجر [۷] یعنی مردم ناگزیر از داشتن حاکمی هستند چه خوب باشد و چه فاجر .

بنابر این مرحله بعد از اجتناب طاغوت عبارت است از گردن نهادن به حکومت غیر طاغوت که همان حکومت الهی و تشکیل حکومت مبتنی بر اصول اسلامی می باشد .

از سویی دیگر با مروری به قیام امام حسین (ع) در می یابیم که امام حسین (ع) نیز با دریافت این واقعیت مهم پس از آنکه از طاغوت برائت جسته و به سمت مکه عزیمت نمودند ، با دریافت خیل عظیمی از نامه های کوفیان که برای حضور امام در میانشان و برعهده گرفتن امر امامت و حکومت اعلام آمادگی کرده بودند و در واقع با بیعت اعلامی خود و بعدها پس از ارسال حضرت مسلم ، با بیعت رسمی خویش ، زمینه را برای ایجاد حکومت اسلامی ، فراهم کردند دعوت آنان را لبیک گفته و به سمت کوفه حرکت نمود که اگر نبود بی وفایی و بیعت شکنی کوفیان ، امام با رسیدن به کوفه قطعاً حکومت دینی خویش را بنیان می نهادند .

این موضوع در فرهنگ سیاسی ایران معاصر تاثیر خود را بر جای گذاشته و همانگونه که گفته شد پس از نفی طاغوت و تلاش برای برانداختن آن ، زمینه را برای تشکیل حکومت جایگزین که عبارت بود از حکومت حقه اسلامی فراهم کرد که نشانه های آن را می توان از برخی شعارهای مردم انقلابی در دوران مبارزه که

خواستار حکومت اسلامی بودند به خوبی دریافت . همچون شعار «استقلال ، آزادی ، حکومت اسلامی» که بعدها تبدیل به «جمهوری اسلامی» شد . [۸]

و به دلیل این پیشینه تاریخی در اذهان فرهنگ سیاسی ایرانیان بود که این شعارها به سرعت جنبه عمل و واقعیت به خود گرفته و خود را در قالب حمایت از تشکیل نظام جمهوری اسلامی در جریان رفاندوم سال ۵۸ نشان داد .

درواقع با مقایسه ای میان بند اول و دوم از تأثیرات نهضت حسینی بر فرهنگ سیاسی ایران معاصر می توان دریافت که نفی حاکمیت طاغوت بعد سلبی عاشورا بود که در برابر آن لزوم تشکیل حکومت اسلامی به عنوان جنبه اثباتی و سازنده مآجرا قرار می گرفت .

۴ - برجسته شدن و ارتقای جایگاه امر به معروف و نهی از منکر :

یکی از مهمترین عناصری که در بحث علل قیام حسینی مطرح می شود احیای امر به معروف و نهی از منکر و عمل به آن می باشد . البته امر به معروف و نهی از منکر از جمله واجباتی است که ریشه در آموزه های قرآنی داشته و جزء ضروریات دین می باشد که انکار آن توسط هر مسلمانی باعث خروج او از دایره مسلمانی می گردد . اما متأسفانه این واجب بزرگ پس از پیامبر اسلام و در اثر دسیسه های دشمنان به ظاهر مسلمان اسلام همچون بنی امیه ، با تحریف معنایی و کارکردی مواجه شد و از شان و جایگاه رفیع خود تنزل نمود به گونه ای که معروف و منکری که مورد توجه بوده و به آن امر و یا از آن نهی می شد در حد برخی احکام فردی و جزئی محدود شده بود و از بسیاری از معروفات و منکرات عملاً چشم پوشی شده بود .

اما هنری که امام حسین (ع) در رابطه با عنصر امر به معروف و نهی از منکر انجام دادند عبارت بود از ارتقای جایگاه امر به معروف و نهی از منکر از یک واجب صرفاً فردی به یک واجب اجتماعی به گونه ای که این

واجب بزرگ هم انگیزه ای برای قیام ابی عبدالله الحسین ع شد و هم اینکه با قیام امام حسین ع ارزش آن ارتقا یافت و به قول شهید مطهری :

«همان طور که عامل امر به معروف و نهی از منکر ارزش نهضت حسینی را بالا و بالاتر برد متعکسا نهضت حسینی ارزش امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد . همان طور که تاثیر عامل امر به معروف و نهی از منکر این نهضت را در عالیترین سطح ها قرار داد این نهضت مقدس نیز این اصل اسلامی را در عالی ترین سطح ها قرار داد» [۹]

این واجب بزرگ علیرغم اینکه یکی از فروعات مهم اسلام به شمار آمده و حتی از نظر معتزله جزء اصول دین می باشد کمتر مورد توجه مسلمانان قرار گرفته بود به گونه ای که حتی در میان شیعیان نیز در طی سده های اخیر کمتر بحثی در این زمینه صورت گرفته و مباحث موجود نیز ابعاد آن را بسیار محدود در نظر گرفته و جنبه های اجتماعی و سیاسی آن را هرگز مورد توجه قرار نمی دهند .

اما با بروز تحولات ساختاری در نظام سیاسی کشور از دوران مشروطه به این سو که به نوبه خود تغییراتی در فرهنگ سیاسی ملت ایران به همراه داشت ، استفاده از مضامین مطرح در حادثه عاشورا مورد توجه قرار گرفت که ازجمله آنها امر به معروف و نهی از منکر بود . در این راستا ، علما با مشابَهت سازی میان دوران خود با دوران قیام امام حسین ع و تمثیل شاهان و حکام مستبد با یزید که در فرهنگ شیعه مظهر رواج منکرات در جامعه به حساب می آمد ، قیام بر علیه رواج منکرات حکومتی را به عنوان یک واجب و تکلیف و درسی که از حادثه عاشورا گرفته اند عنوان نموده و بر انجام آن تاکید داشتند . چنانکه علمای مشروطه خواه در قیام خویش بر علیه استبداد قاجار ، علمایی همچون مرحوم بافقی در تقابل با استبداد رضاخانی و علمایی همچون امام خمینی ره در مقابله با محمد رضا پهلوی و کلیت رژیم شاهنشاهی ، عمل خود و پیروانشان را در راستای قیام به منظور اجرای امر به معروف و نهی از منکر به شیوه ای که ابی عبدالله الحسین ع انجام داد

و در راه آن به شهادت رسید می دانستند و همین دیدگاه به تدریج به دیدگاه رایج در فرهنگ سیاسی مردم ایران تبدیل شد و سرانجام به نابودی یزید زمان منجر گردید .

همین فرهنگ امروزه نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی همچنان در رگ و ریشه ملت ایران ادامه دارد و خود را در قالب مبارزه با بزرگترین مظهر گسترش دهنده منکرات دوران مدرن یعنی استکبار جهانی به سردمداری آمریکا نشان می دهد .

۵ - درس عبرت برای رها نکردن ولی الهی در برابر طاغوت ها :

حوادث مرتبط با قیام حسینی حاوی صحنه های عجیب و عبرت آموزی از بی وفایی و جفاهای مسلمانان نسبت به امام و ولی الهی دارد که جزء صحنه های تاریک این حادثه به شمار می آید همچون بیعت مردم کوفه با امام حسین و سفیرش حضرت مسلم و بیعت شکنی و تنها گذاشتن امام حسین ع در صحرائی کربلا . همچنین در این حادثه بزرگ شاهد درس بزرگ وفاداری و جانبازی نیز بودیم که قهرمانان آن یاران امام حسین ع در کربلا بودند که بارها با صدای بلند اعلام کردند که اگر در روز عاشورا بارها کشته شده و اجسادشان سوزانده شود و بار دیگر زنده شوند باز هم از یاری ولی خدا دست برنخواهند داشت .

در جریان این حادثه بزرگ کسانی بودند که در روز واقعه ، به یاری امام خویش برخاستند و او را تنها رها کردند تا به شهادت رسید . اما پس از آنکه کار از کار گذشته بود از کرده خود پشیمان شده و علم قیام بر افراشتند و جان خود را از دست دادند بدون اینکه این اقدام آنان فایده چندانی در مسیر تاریخ داشته باشد . همچون توابعین که مقام معظم رهبری در مورد آنان می فرماید : « کسانی در کوفه دلهاشان پر از ایمان به امام حسین بود، به اهل بیت محبت هم داشتند، اما چند ماه دیرتر وارد میدان شدند؛ همه شان هم به شهادت رسیدند، پیش خدا هم مأجورند؛ اما کاری که باید بکنند، آن کاری نبود که آنها کردند؛ لحظه را نشناختند؛

عاشورا را نشناختند» [۱۰]

داستان بي وفائي کوفيان همواره در فرهنگ سياسي شيعه به عنوان يک درس عبرت بوده است که در آن شيعيان با دوري جستن از تکرار اين ماجرا در ساير ادوار تاريخي ، ميزان صداقت خود را محک مي زنند .

اين موضوع در فرهنگ سياسي ايران معاصر نيز تاثيرات خاص خود را داشت و اگر در برخي مقاطع همين تاريخ همچون دوران مشروطه ، برخي مردم با بي وفائي هاي خود برخي رهبران ديني همچون شيخ فضل الله نوري را تنها رها کرده و آنان را به مسلخ فرستادند اما در دوران اخير که ولايت الهي در وجود رهبري بزرگمردي از تبار امام حسين (ع) تجلي پيدا کرده بود مردم با درس گرفتن از اين حوادث ، از آغاز نهضت ، نه تنها امام خویش را رها نکردند بلکه با همت و حضور خویش اين انقلاب را به پيروزي رسانده و پس از انقلاب اسلامي نيز همچنان از رهبر خویش حمايت مي کنند و شعار «ما اهل کوفه نيستيم علي تنها بماند» آنان گواهي بر تاثيرات اين شعار و معيار بودن رفتار غلط مردم کوفه براي شناسايي صادق از کاذب مي باشد .

۶ - درس مقاومت در راه رسيدن به اهداف :

همانگونه که مي دانيم حوادث کربلا پر بود از انواع سختي ، فشار ، تشنگي ، گرسنگي ، داغ عزيزان و ... اما صحنه مهم تر اين حوادث اين بود که همه اين حوادث در راه انجام هدف مقدسي که ابي عبدالله الحسين (ع) تعقيب مي کرد توسط امام و همراهانش اعم از اهل بيت و ياران باوفائش تحمل شد و حتي کار به جايي رسيد که زينب کبرا (س) در پاسخ به يزید با صداي رسا همه اين مصيبت ها را که هر کدام از آنها مي تواند کمر انساني را خم کند به جاي بي تابي و زاري و ناله فرمود : «ما رايت الا جميلا» يعني جز زيبايي چيز ديگري نديدم . تعبير زيبايي از مصيبت ها نه به خاطر ذات زيبايي مصيبت است که اساسا ذات مصيبت ، جز

سیاهی و زشتی چیز دیگری نمی تواند باشد اما زمانی که همه این مصیبت ها به خاطر هدف مقدس صورت گرفته و تحمل شده باشد قطعاً جز زیبایی تعبیر دیگری نمی توان برای آن به کار برد .

در دوران معاصر و به ویژه از زمان آغاز نهضت امام خمینی ره که دشمنان انواع فشارها و سختی ها را با هدف به زانو در آوردن آنان نسبت به مبارزان راه اسلام روا داشتند ، این مبارزان با درس گرفتن از تحمل امام حسین (ع) ، اهل بیت و یاران باوفایش در برابر انواع فشارهای یزیدیان و صبر و استقامت زینب کبرا و سایر بازماندگان عاشورایی در برابر حوادث کوفه و شام ، عزمشان جزم گردید و با توجه به ایمانی که به هدف مقدسشان داشتند در این راه هر گونه فشار و شکنجه و زندان و تبعیدی را تحمل کردند و سرانجام باعث پیروزی انقلاب اسلامی ایران شدند . این موضوع پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز همچنان به عنوان یک عنصر فعال در میان ملت ایران در آمده است به گونه ای که روحیه مقاومت و پایداری را به عنوان یکی از عناصر فرهنگ سیاسی مردم ایران مطرح نموده است .

همین موضوع باعث شده است تا در شرایطی که از آغازین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی کشور ما با انواع فشارها اعم از اقتصادی ، سیاسی ، نظامی و ... مواجه بوده است مردم کشور ما نه تنها سر سوزنی از مواضع خویش عدول نکنند بلکه روز به روز بر حمایت خویش از نظام اسلامی و راه عزت طلبانه ای که در پرتو این نظام مقدس تعقیب می شود بیافزایند .

۷ - حاکمیت فرهنگ ایثار ، مقاومت و شهادت و گسترش مفاهیمی همچون شهید ، ایثار ، جهاد ، از خود گذشتگی و ... متاثر از فرهنگ عاشورایی که به نوبه خود باعث تقویت روحیه مضاعف در جدال با جبهه باطل شده و نوع خاصی از فرهنگ سیاسی را عرضه می دارد که به نام ملت ایران در جهان شناخته می شود ولی در واقع ریشه در آموزه های عاشورایی دارد . این فرهنگ در ایران منجر به پیروزی انقلاب اسلامی در اوج قدرت شاهنشاهی شد و در شرایط جنگ تحمیلی ، باعث شکست ارتش تا بن دندان مسلح صدام گردید و

امروزه نیز با استعانت از آن ، مسیر پیشرفت و ترقی ملت ایران توسط فرزندان عاشورایی اش به سرعت در حال طی شدن می باشد .

مآخذ و رفرنس ها:

[۱] محمد رحیم عیوضی، جامعه شناسی سیاسی اپوزیسیون در ایران، نشر قومس، ص ۳۱ و ۳۲

[۲] لیهوف ، ص ۱۱

[۳] میرزای نائینی ، تنبیه الأئمة و تنزیه الملة (حکومت از نظر اسلام)، ص ۴۶

[۴] تاریخ طبری ، ج ۴ ، ص ۳۰۴

[۵] محدث قمی ، «نفس المهموم» ص ۴۵

[۶] آنارشیسیم

[۷] نهج البلاغه فیض، خطبه ۴۰، صفحه ۱۲۵.

[۸] برای مطالعه در این زمینه رک : فرهنگ شعارهای انقلاب اسلامی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹ و همگام با شعارها در انقلاب اسلامی، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، چاپ اول.

[۹] حماسه حسینی ، شهید مرتضی مطهری ، جلد ۱ ، ص ۲۶۲

[۱۰] بیانات در دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ، ۸۸/۱۰/۲۹